

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فرهنگ اسلامی

(دوره‌ی انتقال)

گروه پژوهش، تألیف کتاب‌های درسی و کمک آموزشی

معاونت آموزش

سازمان نهضت سوادآموزی

۱۳۹۲

این اثر از سوی کارشناسان و مدرّسان اداره‌ی کل آموزش و پرورش
استان قم با نظارت و راهنمایی مؤلّفان سازمان مرکزی نهضت
سوادآموزی تهیّه و تدوین شده است.

شناسنامه‌ی کتاب:

عنوان: فرهنگ اسلامی (دوره‌ی انتقال)

زیر نظر: علی باقرزاده، معاون وزیر و رئیس سازمان نهضت سوادآموزی

گروه مؤلّفان: سید کمال طباطبایی، اصغر بهمنی، مریم معین الاسلام، زهرا شهید، محمدرضا

قاسمی‌نیا، محمّد صادقی ضیاء، علی بیرالوند

با همکاری: کرامت نوایی، اسد اسدی

طراح جلد و صفحه‌آرا: انتشارات مُگستان (لیلا سادات حسینی لر)

شمارگان: ۱۲۵۳۰۰ جلد

نوبت چاپ: دوم

سال انتشار: ۱۳۹۲

ناشر: سازمان نهضت سوادآموزی

ISBN 978-964-494-262-4

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۴-۲۶۲-۴

« تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است. »



امروز جهان تشنه‌ی اسلام ناب محمدی است. منظور از اسلام ناب محمدی همان اسلام حقیقی و اصیلی است که از صاحب آن، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بی هیچ پیرایه و آرایشی به امیر المؤمنین علی بن ابی طالب «علیه السلام» و پس از آن حضرت به ائمه‌ی بعدی «علیهم السلام» منتقل شده و در قول و عمل و در عقیده و رفتار به آن پایبند بوده و از آن بزرگواران نسل به نسل و دست به دست گشته تا به ما رسیده است.

«حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه)»

- آنچه در آغاز از پیشرفت و ترقی برای انسان‌ها به وجود آمد، ناشی از همین فرهنگ اسلامی بود.

- اسلام واقعی و ناب مورد نظر نظام اسلامی، دارای مفاهیم بالا، عمیق و روشن از انسان، خدا، جهان آینده و نیازهای مادی و معنوی بشریت است.

«حضرت آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی؛ (مدّ ظلّه العالی)»

صفحه	عنوان
۱	درس ۱: خدا شناسی.....
۶	درس ۲: پیامبران و انبیای الهی.....
۱۰	درس ۳: قرآن.....
۱۳	درس ۴: امامت و رهبری.....
۱۷	درس ۵: امام معصوم (علیه السلام).....
۲۰	درس ۶: انتظار ظهور.....
۲۴	درس ۷: ولایت فقیه.....
۲۹	درس ۸: نماز و روزه.....
۳۳	درس ۹: خمس و زکات.....
۳۹	درس ۱۰: حج ، وحدت امت اسلامی.....
۴۴	درس ۱۱: امر به معروف و نهی از منکر.....
۴۹	درس ۱۲: شکرگزاری.....
۵۴	درس ۱۳: حقوق خانواده.....
۵۸	درس ۱۴: حقوق اجتماعی.....
۶۲	درس ۱۵: آداب و معاشرت اسلامی.....
۶۵	درس ۱۶: فرهنگ جهاد و شهادت.....
۷۰	درس ۱۷: تعقل ، تفکر و مشورت.....
۷۴	درس ۱۸: معاد.....
۷۸	درس ۱۹: بهشتیان و دوزخیان در قرآن کریم.....

خداشناسی

– خدا را چگونه می‌شناسیم؟

– راه‌های خداشناسی کدام است؟

یکی از راه‌های شناخت خدا، نعمت‌های فراوانی است که خدا به ما داده است. همه‌ی ما در این جهان پهناور از نعمت‌های زیادی برخورداریم، اگر نظری به خود و اطراف خود داشته باشیم؛ می‌بینیم که تعداد نعمت‌هایی که به ما داده شده است و از آنها استفاده می‌کنیم؛ بی‌شمار و خارج از حد تصور است.



– اعضای بدن، دست، پا، چشم، بینی، قلب،
دستگاه گوارش و...

– کوه‌ها، دشت‌ها، درختان، گیاهان و سبزه‌ها،
جانوران و پرندگان و ...

چشمه سارها، رودخانه‌ها، دریاها و اقیانوس‌ها

و ...

– زمین و آسمان، ماه و خورشید و سایر ستارگان

– و هزاران نعمت دیگر، همه از نعمت‌های بزرگی است که به ما ارزانی شده



است و از روزی که به دنیا می‌آییم تا
زمانی که از دنیا می‌رویم؛ از آنها استفاده
می‌کنیم.

اکنون این پرسش مطرح است،



چگونه، کسی که این نعمت‌ها را به ما بخشیده است؛ بشناسیم و از او سپاس‌گزاری کنیم؟

عقل حکم می‌کند که اگر کسی به ما نیکی کرد؛ باید از او سپاس‌گزاری کنیم. در این جهان هستی نیز، همه وظیفه داریم؛ درباره‌ی نعمت‌های خدادادی تفکر کنیم و آن‌گاه به حکم وظیفه، سپاس‌گزار، خالق آنها باشیم و کسی که ما را آفریده است و این همه نعمت‌ها را به ما داده است؛ بشناسیم.

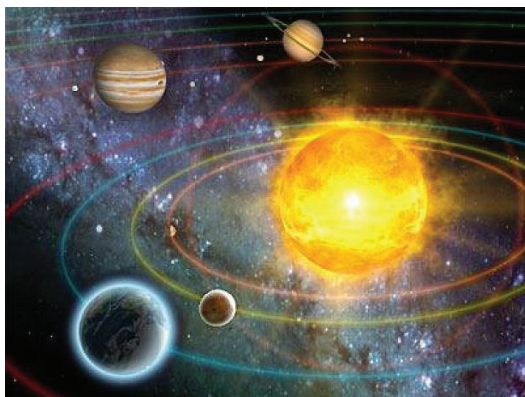
با کمک عقل و با دلیل‌ها و نشانه‌های بسیار پی به وجود خداوند بزرگ و بلند مرتبه می‌بریم. مانند دیدن دودی که از پشت دیوار به هوا بلند شده است، می‌توانیم به وجود آتش پی ببریم. مگر می‌شود، این همه موجودات در عالم، بدون خالق باشد؟ هر کدام از این آفریده‌های خدا دلیلی روشن بر وجود خداست.

یکی دیگر از راه‌های شناخت خدا، شناخت خود است که ما را متوجه‌ی خداوند متعال می‌کند. در حدیث شریف از حضرت علی علیه السلام نیز آمده است:

«من عرف نفسه فقد عرف ربه»؛ «هر کسی که خودش را بشناسد، خداوند

و پروردگارش را خواهد شناخت».

راه دیگر خداشناسی، نظمی است که در این عالم وجود دارد. این دلیل یکی از ساده‌ترین راه‌هاست که وجود خداوند را ثابت می‌کند که حتی کودکان نیز قادر



به فهم و درک وجود خداوند هستند. بر این اساس، عقل آدمی در هر نظم و انضباطی به دنبال کسی می‌گردد که آن را ترتیب و نظم داده است. نظم عالم و زندگی منظم و دقیق موجودات از گیاهان و حیوانات گرفته

تا کهکشانشان‌ها و همه‌ی عالم خود گواه وجود ناظمی قدرتمند است که با حکمت و تدبیر عالم را اداره می‌کند که او همان خداوند متعال است.

گفت و گو کنیم:

- نظم دقیق اعضای بدن، نشانه‌ی چیست؟ همفکری کنید و در این باره با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم:

- در طول روز چه چیزهایی شما را به یاد خدا می‌اندازد؟ چند نمونه را برای دوستان بگویید.

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

شخصی از امام صادق علیه السلام خواست که وجود خدا را برای او اثبات کند. کودکی در آن نزدیکی با تخم مرغی مشغول بازی بود. امام علیه السلام از او خواست که تخم‌مرغ را به او بدهد. امام صادق علیه السلام پس از گرفتن تخم مرغ به آن شخص گفت: «این تخم مرغ پوسته‌ی محکم و در بسته دارد و داخل آن مقداری زرده و سفیده است؛ اما هیچ کدام از آن دو با یکدیگر مخلوط نمی‌شوند. هنگامی که جوجه سر از تخم بیرون می‌آورد، می‌بینیم به رنگ‌های گوناگون و جالبی رنگ آمیزی شده است.»
امام صادق علیه السلام به آن شخص فرمودند: «آیا قبول داری که این تخم مرغ

و جوجه‌ای که از آن متولد می‌شود، باید آفریدگاری دانا و توانا داشته باشد؟» آن شخص کمی فکر کرد و گفت: «آری! گواهی می‌دهم که جهان آفرینش، آفریدگاری دارد.»
در قرآن کریم می‌خوانیم:

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»
«سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۶۴»

هم فکری کنیم:

- با دوستان درباره‌ی زیبایی‌های آفرینش فکر کنید و نتیجه‌ی آن را بنویسید:

- درباره‌ی راه‌های خداشناسی که در درس آمده است، چند سطر بنویسید:

- ترجمه‌ی آیه‌ای که در فعالیت بخوانیم و بیشتر بدانیم: آمده است؛ در قرآن کریم پیدا کنید و در زیر بنویسید:



پیامبران و انبیای الهی



خداوند انسان را موجودی **آزاد** آفریده است تا خود راه زندگی را انتخاب کند. **عقل** انسان برای تشخیص خوب و بد در بعضی امور مفید است؛ ولی برای شناخت راه طولانی که انسان در پیش رو دارد، ناقص و ناتوان است. شناخت راه خوب؛ فقط از راه عقل و بدون نیاز به **راهنما**، مانند قدم زدن در بیابان در شب تاریک و طوفانی با چراغی **کم سو** است که چراغ کم نور آن فقط تنها تا چند قدمی را نشان می‌دهد و هر لحظه ممکن است، خاموش شود. پس باید فردی باشد تا انسان را در مسیر درست **هدایت** و **راهنمایی** کند.

خداوند مهربان، **پیامبران** را فرستاد تا **راهنمای** مردم در این راه طولانی باشند و گمراه نشوند و با فرستادن پیامبران، خدا حجت را بر مردم تمام کرد تا آنان بهانه‌ای نداشته باشند و با اختیار و آزادانه، خودشان راه زندگی را انتخاب کنند و اگر راه

درستی را که پیامبران نشان داده‌اند؛ نروند؛ به عذاب الهی دچار خواهند شد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ...
(سوره‌ی بقره آیه‌ی ۲۱۳)

«مردم در آغاز یک دسته بودند. خداوند پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی را که به سوی حق دعوت می‌کرد؛ با آنان نازل کرد تا در میان مردم در آنچه اختلاف داشتند؛ داوری کند...»

ویژگی پیامبران

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های پیامبران «**عصمت**» است. عصمت، یعنی دوری از هرگونه **گناه و اشتباه**.

پیامبران **گناه** نمی‌کردند و در رساندن پیام الهی به انسان‌ها نیز **اشتباه** نمی‌کردند. علت گناه نکردن پیامبران، **علم و آگاهی** آنان به زشتی گناه است. برای مثال کسی که می‌داند، داخل لیوان آب، سمّ کُشنده است؛ هیچ وقت آن آب را نمی‌خورد.

دلیل دیگر گناه نکردن پیامبران، **ایمان قوی و تقوای** آنان است. پیامبران که علاقه‌ی زیادی به محبوب خود، یعنی خدا داشتند، همواره در حال **اطاعت** از خدا بوده‌اند.

خدا به پیامبران قدرت **معجزه** داده است، یعنی کاری که بشر از انجام آن ناتوان است. بنابراین **معجزه** کار بزرگی است که پیامبر به فرمان خدا، برای ثابت کردن رابطه‌ی خود با خدا و ادّعای پیغمبر بودنشان، انجام می‌دادند. در طول تاریخ افراد زیادی ادّعا کرده‌اند که پیامبر خدا هستند؛ اما نتوانستند کاری انجام دهند و مورد اعتماد مردم قرار نگرفتند. بنابراین **معجزه** یکی از راه‌های شناخت **پیامبران واقعی** از پیامبران دروغین است. قرآن کریم نیز معجزه را «**آیت**» یعنی نشانه و علامت نبوت می‌داند.



گفت و گو کنیم:

- درباره‌ی ویژگی‌های پیامبران با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم:

- اگر خاطره یا داستانی از معجزه‌ی پیامبران خوانده یا شنیده‌اید، برای اعضای گروه بیان کنید.

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

معجزه نشانه‌ی ارتباط پیامبر با خداست. همه‌ی معجزات پیامبران موقت و فصلی بود، یعنی فقط به همان زمان و دوره‌ی خودشان مربوط می‌شد.

اما پیامبر اسلام هم معجزه موقت و هم معجزه دائمی داشتند. چون پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» برای یک سرزمین و یک زمان فرستاده نشده بودند، بنابراین باید معجزه‌ی همیشگی و دائمی به پیامبر «صلی الله علیه و آله وسلم» داده شود تا مخصوص زمان و مکان خاص نباشد. **قرآن کریم** معجزه‌ای است که خداوند بر ما منت گذاشت و بر پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» نازل کرد که تا پایان جهان در دسترس بشر باشد.



- درباره‌ی عصمت پیامبران با هم دیگر هم فکری کنید و نتیجه‌ی آن را در چند سطر بنویسید.

- درباره‌ی معجزه‌ی پیامبر اسلام « صلی الله علیه و آله وسلم » چند سطر بنویسید.

قرآن



قرآن که بود پیام ایزد نازل شده است، بر محمد ﷺ
 اعجاز نبوت است، قرآن آیات هدایت است، قرآن
 قرآن که نشان دهنده‌ی راست برنامه‌ی زندگانی ماست
 این است کتاب دینی ما برنامه‌ی آسمانی ما
 باید که همواره بازخوانیم تا حکم خدای خود بدانیم

قرآن سخن خدا برای هدایت و راهنمایی مردم است که بر حضرت محمد «صلی الله علیه و آله و سلم» نازل شده است. مهم‌ترین و اساسی‌ترین پیام قرآن، شناخت خدای متعال است. خدا دوست دارد، همه‌ی افراد، نیکو کار باشند. از کارهای بد توبه کنند. در راه خدا تلاش و جهاد کنند. در برابر مشکلات صبور باشند. به عهد و پیمان خود وفا کنند.

خداوند افرادی را که ناسپاس و اسراف کار و متکبر باشند و به دیگران بدی کنند

و عهد و پیمان شکن باشند، دوست ندارد. قرآن کریم، کتاب راهنمای روش و عمل است. قرآن کریم خود را، نور، هدایت، شفا و ذکر معرفی می کند. خدا در اهمّیت خواندن قرآن می فرماید:

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (سوره‌ی اعراف آیه‌ی ۲۰۴)

«هنگامی که قرآن خوانده شود؛ گوش فرا دهید و خاموش باشید؛ شاید مشمول رحمت خدا شوید.»

در واقع تلاوت قرآن کریم، موجب فهم و اندیشه و عمل به دستورهای خداوند است. پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلّم» می فرماید: «خانه‌های تان را با نور قرآن نورانی کنید.»

خدای متعال علاوه بر خواندن قرآن، مردم را به تفکر در آن دعوت کرده است و در این مورد می فرماید: «ای پیامبر! قرآن کتاب پر برکت است که بر تو نازل کردیم تا مردم به آیات آن فکر کرده و عمل کنند.»

گفت و گو کنیم:

- چگونه در آیات قرآن تفکر کنیم، در این باره با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم:

- خاطره یا تجربه‌ای از عمل به دستورهای قرآن که موجب هدایت شما یا افراد دیگر شده است، بیان کنید.



بخوانیم و بیشتر بدانیم:

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد «صلى الله عليه وآله وسلم» فرمودند: «نگاه کردن به سه چیز عبادت است: نگاه به صورت پدر و مادر، نگاه کردن به قرآن و نگاه کردن به دریا!»

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «قرآن دریایی است که عمق آن معلوم نیست.»

قرآن کتاب زندگی است. در قرآن مسایل زندگی پس از مرگ و ویژگی‌های افراد نیکوکار و بدکار بیان شده است. قرآن کتابی است که بدون شک هدایت‌گر افراد با تقواست.

هم فکری کنیم:

- با اعضای گروه درباره‌ی پیروی از دستورهای قرآنی هم فکری کنید و نتیجه‌ی آن را در چند سطر بنویسید.

- شما چگونه به دستورهای قرآنی عمل می‌کنید، چند مورد را بنویسید:

امامت و رهبری



بُرد بالا دست **مولا** را رسول
شد **امام** و مقتدای ما ، **امیر**

در غدیر خم ، **ولایت** شد قبول
رفت بالا دست خورشیدِ غدیر

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» در آخرین روزهای عمر شریفشان در سال دهم هجری، هنگام بازگشت از سفر حج، همه‌ی کسانی را که از سفر معنوی حج به شهر و خانه‌هایشان برمی‌گشتند، در محلی به نام **غدیر خم** جمع کردند. مکانی برای سخنرانی پیامبر آماده شد. پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» پس از حمد و ستایش خداوند، خطبه‌ی مفصلی را بیان فرمودند و حضرت علی علیه السلام را به عنوان **جانشین** خود معرفی کردند. همه‌ی مردم، نیز با حضرت علی علیه السلام **بیعت** کردند. خداوند به وسیله‌ی فرشته‌ی وحی، کامل شدن دین اسلام را با انجام دادن این

عمل بشارت دادند.

.... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...

(سوره‌ی مائده آیه‌ی ۳)

« امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام

را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم. »

مردم با قبولی جانشینی **حضرت علی** علیه السلام مورد لطف خداوند قرار گرفتند که بعد

از پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم»، بدون رهبر و پیشوا نباشند.

جانشینی پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» بدون انتخاب امام معصوم، خلاف حکمت

الهی است، باید بعد از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم»، جانشینان شایسته‌ای

برای او تعیین شوند تا مردم از امام خود پیروی کنند و گمراه نشوند. جابر که یکی

از اصحاب پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» است، گفت: « روزی پیامبر اکرم

«صلی الله علیه و آله و سلم» جانشینانش را یکی یکی مشخص کردند که تعداد آنان

دوازده نفر بودند. « پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند: « ولایت مخصوص

علی و جانشینان من تا روز قیامت است. « پرسیدند جانشینان شما چه کسانی

هستند؟ آن حضرت «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند: « علی که برادر و جانشین

من است و بعد دو فرزندم حسن و حسین و نه فرزند از فرزندان حسین هستند. »

گفت و گو کنیم:

۱- درباره‌ی واقعه‌ی غدیر خم با هم گفت و گو کنید. خلاصه‌ی آن را در زیر بنویسید:

۲- درس را بخوانید و خلاصه‌ای از آن را برای دوستان خود بگویید.

از تجربه‌ها بگوییم:

- کتاب یا داستانی که تا کنون در باره‌ی غدیر خم خوانده یا شنیده‌اید، برای دیگران بازگو کنید.

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

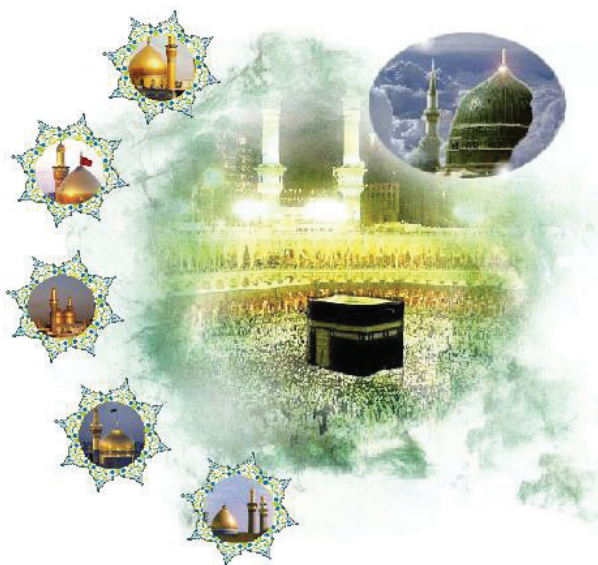
از نظر قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم»، معصوم بودن و دوری از گناه و خطا، یکی از ویژگی‌های اساسی امام است. امامان معصوم بودند و از خطا و اشتباه نیز دوری می‌کردند. آنان قوانین و احکامی را که برای سعادت دنیا و آخرت مردم لازم بود؛

می‌دانستند. همه‌ی امامان از جانب خداوند تعیین شدند. لطف و محبت خداوند موجب شد که پس از پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» مردم بدون رهبر و راهنمای الهی نباشند. همان طور که پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» مردم را به سوی سعادت دنیا و آخرت رهبری می‌کردند، امامان نیز پس از رحلت پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» مردم را به سوی سعادت دنیا و آخرت رهبری و هدایت می‌کنند.

هم فکری کنیم:

- درباره‌ی فرمان خداوند در واقعه‌ی غدیر خم که خطاب به پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند: «دین اسلام کامل شد و نعمت بر شما تمام شد.» با دوستان خود هم فکری کنید و نتیجه را بنویسید:

امامان معصوم (علیهم السلام)



در درس گذشته خواندیم همه‌ی امامان از جانب خداوند **تعیین** و از سوی پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» به مردم معرفی شدند. امامان همانند پیامبران همگی **معصوم** بودند و از **خطا و گناه دوری** می‌کردند. آنان مورد **اعتماد** و **قبول** مردم بودند. امامان، **عادل، عالم و دانا** بودند. هیچ حقی را از خود و دیگران و خدا پایمال نمی‌کردند. بنابراین بعد از پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» تفسیر دین بر عهده‌ی امام علیه السلام است. امام علیه السلام باید احکام و قوانینی که برای سعادت دنیا و آخرت مردم لازم است، بداند. **علم امام**، باید از همه‌ی مردم بیشتر باشد تا بتواند **رهبری** کند. امام علیه السلام، باید برای مردم دلیل و حجت باشد، یعنی مردم با رفتار و گفتار امامان به آنچه در اسلام پسندیده و سفارش شده است، آگاه شوند. امام باید بر مردم **ولایت** داشته باشد و

زامداری و رهبری جامعه‌ی مسلمین از مسئولیت‌ها و وظایف امامان معصوم «علیهم السلام» است.

خدا در قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ
(سوره‌ی مائده آیه‌ی ۵۵)

« سرپرست و ولی شما ، تنها خدا و پیامبر اوست و آنان که ایمان آوردند؛ کسانی که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.»
فرمان خدا زمانی بر پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» نازل شده است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حال رکوع به فقیری که از مردم کمک می‌خواست، انگشتر خود را به او بخشیدند. خدا با این آیه تأکید بر ولایت می‌کنند و می‌فرمایند:
« ولایت شما را کسی به عهده دارد که در حال نماز به مردم کمک می‌کند.»

گفت و گو کنیم:

- درس را بخوانید و خلاصه‌ای از آن را برای دوستان بگویید.

از تجربه‌ها بگوییم:

- درباره‌ی اطاعت از رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» و امامان معصوم، آنچه می‌دانید برای دوستان خود بگویید.

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

پس از تعیین حضرت علی علیه السلام به عنوان خلیفه و جانشین از طرف پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» در غدیر خم، مردم باحضرت علی علیه السلام بیعت کردند و انتخاب حضرت علی علیه السلام را تبریک گفتند. همه‌ی حاضران از صحبت‌های پیامبر، مسئله‌ی خلافت و امامت را فهمیدند و با او بیعت کردند. برخی در ستایش حضرت علی علیه السلام شعر سرودند. با تعیین جانشین برای پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» از سوی خداوند متعال، امامت تحقق یافته است.

هم فکری کنیم:

- باهم فکری اعضای گروه نقش امام در هدایت جامعه را بررسی کنید و نتیجه را بنویسید:

- ویژگی‌های پیامبران و امامان معصوم را نام ببرید و بنویسید:

استار ظهور



ماه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری بود. شب از نیمه گذشته بود. سکوت همه جای **سامرا** را فرا گرفته بود. **میلااد** حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زمانی اتفاق افتاد که خلفای ستمگر عباسی، حکمرانی می کردند. آنان می دانستند که از امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی به جهان می آید و ریشه‌ی ستمگران را قطع خواهد کرد. پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند: «مهدی از فرزندان من است؛ نامش نام من و کنیه‌ی او کنیه‌ی من و شبیه‌ترین انسان‌ها به من از جهت ظاهر، اخلاق و رفتار است.

بعد از آنکه فرزندی به دنیا آمد، امام حسن عسکری علیه السلام او را از نظرها **پنهان** نگه داشت، به طوری که فقط عده‌ای از اصحاب خاص می توانستند، فرزند را ببینند. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از شهادت پدر بزرگوارش و

خواندن نماز بر جنازه‌ی آن حضرت، از نظرها **غایب** شدند. **غیبت کوتاه** امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ۶۹ سال طول کشید. در این غیبت بود که حضرت برای خود نماینده‌های خاص تعیین کردند تا آنان سؤال‌ها و نیازهای شیعیان را دریافت کنند و جواب دهند. بعد از وفات چهارمین و آخرین نماینده‌ی امام علیه السلام، **غیبت کبری** امام (طولانی) شروع شد.

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به وسیله‌ی آخرین نماینده‌اش فرمودند: «هر گاه نیازهایی داشتید، به روایت کنندگان احادیث ما مراجعه کنید. آنان **حجت من بر شما و من حجت خداوند بر آنان هستم**. بنابراین در زمان غیبت کبری، مردم باید به علما و مجتهدین مراجعه کنند.

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند: «برترین عبادت‌ها، **انتظار** ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. **انتظار** یعنی امید و خوش بینی به آینده و زمینه‌سازی برای حضور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. خداوند در آیه‌ی ۵ سوره‌ی قصص می‌فرماید:

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

(سوره‌ی قصص آیه‌ی ۵)

«ما می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.»

گفت و گو کنیم:

- درس را با دقت بخوانید و درباره‌ی انتظار فرج آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با هم گفت و گو کنید.
- درباره‌ی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اگر کتابی خوانده‌اید، برای دوستان خود بگویید.

از تجربه‌ها بگوییم:

اگر از مراسم جشن ۱۵ شعبان تجربه یا خاطره‌ای دارید، برای دوستان خود بیان کنید.

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

آب زنید راه را هین که نگار می‌رسد
مژده دهید باغ را بوی بهار می‌رسد
راه دهید یار را آن مه ده چهار را
کز رخ نوربخش او نور تثار می‌رسد
چاک شدست آسمان، غلغهای ست در جهان
عنبر و مشک می‌دمد سنجق یار می‌رسد
رونق باغ می‌رسد چشم و چراغ می‌رسد
غم به کناره می‌رود مه به کنار می‌رسد
تیر روانه می‌رود سوی نشانه می‌رود
ماچه نشسته‌ایم پس، شه ز شکار می‌رسد
باغ سلام می‌کند سرو قیام می‌کند
سبزه پیاده می‌رود غنچه سوار می‌رسد

ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، متنی بر مستضعفان و مقدمه‌ای برای خلافت حقیقی خداوند در روی زمین است. امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمودند: «هر یک از شما، باید آنچه را

که موجب دوستی ما می شود، انجام دهید و از هر آنچه موجب خشم و ناخشنودی ما می شود، دوری کنید.» منتظر واقعی کسی است که تلاش و کوشش کند به واجبات دینی عمل نماید و از کارهای بد و ناشایست دوری کند.

پس ما با انجام دادن کارهای شایسته و خوب می توانیم ، موجب خشنودی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شویم و یکی از منتظران واقعی ظهور آن حضرت باشیم.

هم فکری کنیم:

- منتظر واقعی چه کسی است؟ با هم فکری دوستان خود چند سطر بنویسید:

.....
.....
.....

- چند مورد از ویژگی های یاران امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بنویسید:

.....
.....
.....

- خلاصه ی درس را در چند سطر بنویسید:

.....
.....
.....

ولایت فقیه

آفرینش انسان در اسلام **هدف دار** و **حکیمانه** است. ما مسلمانان معتقدیم که آدمی برای رسیدن به هدفی خاص آفریده شده است. این هدف، رسیدن به **کمال** انسانی است؛ یعنی نزدیک شدن به خدا و برخورداری از **رحمت** **همیشگی** اوست. از آن جایی که رسیدن به چنین هدفی، بدون برنامه ممکن نیست، به ناچار باید راه و مسیری درست به انسان نشان داده شود تا وسیله‌ی رسیدن به مقصد باشد.



این راه جز بندگی خدا و تسلیم در برابر امر و نهی او نیست.

از سوی دیگر اسلام دینی کامل است که در همه‌ی مسائل فردی و اجتماعی دارای احکام و مقررات است. عمل به این قوانین است که موجب **سعادت** انسان می‌شود.

عمل به احکام و قوانین الهی، نیازمند شناخت صحیح و دقیق آن احکام و قوانین است و تا زمانی که این احکام به خوبی شناخته نشود، نمی‌توانیم به درستی به آنها عمل کنیم. باید توجه داشت که شناخت این احکام، نیازمند بررسی گسترده و عمیق است. به کسی هم که **دین شناس** بوده و در راه شناخت دین مجاهدت کند؛



«فقیه» می‌گوییم.

به همین ترتیب برای شناخت احکام دین، باید به فقها مراجعه کنیم تا پس از آشنایی با احکام اسلام، آن را در زندگی به کار

ببندیم. از این رو به مجتهدان «مرجع تقلید» می‌گوییم، یعنی کسی که در مسائل دین به او رجوع می‌شود. اما در احکام اجتماعی، نیازمند مقامی رسمی در جامعه هستیم که برای مردم مورد قبول باشد.

ولایت، یعنی حکومت و اداره‌ی کشور و اجرای احکام اسلام است، ولایت یک وظیفه‌ی سنگین و مهم است. بنابراین ضرورت دارد، گروهی از علمای دین، از بین فقها یک نفر را به عنوان **ولی فقیه** انتخاب و وظیفه‌ی سنگین ولایت فقیه را به او واگذار کنند. در کشور ما انتخاب ولی فقیه، به عهده‌ی **مجلس خبرگان** است. ولی فقیه به عنوان حافظ دین و مجری احکام و قوانین الهی است. رهبر و حاکم جامعه اسلامی باید فقیه، شجاع، مدیر، آگاه به مسائل زمان و مصالح جامعه باشد.

ولی فقیه نقش اساسی در جلوگیری از انحراف‌ها، حفظ وحدت، اجرای احکام دینی و همچنین تصمیم‌گیری در مورد مسایل و مشکلات امت و کشور را دارد. ولایتی که برای رسول اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» و امام علیه السلام در تشکیل حکومت و اجرای احکام دین هست، برای فقیه هم هست.

ما باید از دستورهای ولی فقیه **اطاعت** کنیم و آنها را اجرا نماییم. ولی فقیه راه را برای عملی شدن احکام اسلام و رسیدن به اهدافی چون عزت مسلمانان و عدالت اجتماعی هموار می‌سازد و بر اجرای صحیح احکام دینی، نظارت دقیق دارد.

در قرآن آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اطِيعُوا اللَّهَ وَ اطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اطِيعُوا أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ...

(سوره ی نسا آیه ی ۵۹)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اولی الامر جانشینان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را.»

گفت و گو کنیم:

درباره ی نقش ولایت فقیه و رهبری در پیشرفت کشور و پیروزی بردشمنان با هم گفت و گو کنید.

از تجربه ها بگوییم:

اگر خاطره یا نمونه ای از شکست توطئه دشمنان اسلام بر اثر اطاعت و پیروی امت اسلامی ایران از ولایت فقیه به یاد دارید، برای دوستان خود بگویید و خلاصه ی آن را در زیر بنویسید:

.....

.....

.....

.....

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

انسان به خاطر کمال خاصی که در فردی سراغ دارد، به او محبت می کند و به او احترام می گذارد. از این رو انسانی که دارای کمالات زیاد و برتری بوده، از محبوبیت و احترام بیشتری برخوردار است.

همه‌ی ادیان الهی احترام به خداوند و هر کسی را که از طرف او انتخاب شده‌است را سفارش می‌کنند. در اسلام، خداوند، نخستین کسی است که مورد احترام است، سپس کسانی که ارتباط بیشتری با او دارند، شایسته‌ی احترامند.

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» به دلیل ارتباط بسیار زیادش با خداوند، دارای مقام و احترام بیشتری است، بنابراین خداوند و فرشتگان بر او درود می‌فرستند و از مؤمنان، نیز می‌خواهند تا بر او درود و سلام بفرستند.

باید بعد از خدا، به پیامبر و جانشینان او، یعنی امامان معصوم «علیهم السلام» که از طرف خداوند انتخاب شده‌اند، احترام گذاشت. بوسیدن ضریح امامان معصوم و زیارت حرم آنان همگی برگرفته از همین احترام است. پس از امامان معصوم «علیهم السلام»، لازم است، به ولیّ فقیه، مراجع و علمای دین و سادات به گونه‌ای که با آنان ارتباط دارند، احترام گذاشت.

هم فکری کنیم:

– با هم فکری اعضای گروه نقش ولایت فقیه را در وحدت مسلمانان، در چند سطر بنویسید.

.....

.....

.....

— خلاصه‌ی درس را در پنج سطر بنویسید:

نماز و روزه

روزی رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» با سلمان فارسی زیر درختی نشسته بودند. پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» شاخه‌ای از آن درخت را گرفتند و محکم تکان دادند. بر اثر این کار، تعدادی از برگ‌های درخت روی زمین ریخت. آنگاه رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» به سلمان فرمودند: «هنگامی که یک مسلمان، خوب وضو بگیرد و نمازهای پنج‌گانه را به جا آورد، گناهانش مانند این برگ‌ها می‌ریزد.» امام علی علیه السلام نیز فرمودند: «دوست داشتنی‌ترین کارها نزد خداوند، نماز خواندن است.»

نماز، مهم‌ترین عبادتی است که یک مسلمان باید به جا آورد، چرا که نماز خواندن بهترین و زیباترین شکل **بندگی** است. خداوند به بندگانش نعمت‌های فراوانی داده‌است. ما وظیفه داریم، در برابر لطف و نعمت خداوند از او تشکر و قدردانی کنیم.

اما چگونه ما از خدای بخشنده و مهربان تشکر کنیم؟

نماز، بهترین و زیباترین راه تشکر و سپاس‌گزاری از خداوند است. ما نماز



می‌خوانیم تا به یاد خدای مهربان باشیم. یاد خدا قلبمان را آرامش می‌دهد و توکل ما را بر او زیاد می‌کند. نماز موجب می‌شود تا انسان از زشتی‌ها و بدی‌ها دوری کند.

در آیه‌ی ۴۵ سوره‌ی عنکبوت می‌خوانیم:

.... وَاقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ... (سوره‌ی عنکبوت آیه‌ی ۴۵)
«و نماز را برپا دار که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه باز می‌دارد.»

نماز یکی از **واجبات** دین اسلام است که هرگز نباید ترک شود. هر گاه کسی به هر دلیلی نمازش ترک شد، باید **قضایش** را به جا آورد.
در نماز خواندن بهتر است، **آداب** آن را رعایت کنیم. گرچه آداب نماز واجب نیستند؛ ولی انجام دادن آنها، نمازمان را نزد خداوند **با ارزش‌تر** می‌کند. برخی از آداب نماز عبارت است از: خواندن نماز در مسجد، خواندن نماز با جماعت، خواندن نماز اول وقت و گفتن اذان و اقامه قبل از نماز است.

روزه

روزی پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» پس از خواندن نماز بالای منبر قرار گرفتند. همه منتظر بودند تا خبر مهمی را بشنوند. پس



از سکوت حاضران، پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند: «ای مردم! ما به مهمانی خدای بزرگ دعوت شده‌ایم. این ماه که به سوی شما می‌آید، ماه **برکت** و **مغفرت** خداست. خواب‌هایتان عبادت، اعمالتان قبول و دعاهایتان مستجاب است.

ای مردم! پاداش کارهای نیک در این ماه، هفتاد برابر ماه‌های دیگر است. «
فکر می‌کنید، رسول گرامی اسلام «صلی الله علیه و آله و سلم» درباره‌ی کدام ماه سخن فرموده است؟ بله، حضرت به مسلمانان مژده‌ی آمدن **ماه مبارک رمضان** را

دادند و فرمودند:

«هر کسی در این ماه **یک آیه‌ی** قرآن بخواند، پاداش کسی را دارد که در ماه‌های دیگر همه‌ی قرآن را بخواند.»
خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

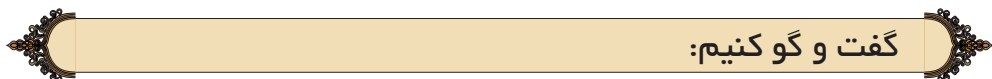
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

(سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۸۳)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شده است، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند، نوشته شد تا پرهیزکار شوید.»

روزه از طرف خداوند واجب شده است و انسان، باید برای انجام دادن فرمان خدا از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می‌کند، خودداری کند. از فایده‌های روزه‌داری، تقوا و تقویت اراده است. کسی که آب و غذا در اختیار داشته باشد؛ اما به دستور خدا از آنها استفاده نکند، اراده‌ی او قوی می‌شود. فایده‌های دیگر روزه، سلامت و تندرستی است. کمی گرسنگی، برای سلامت انسان لازم است و روزه این فرصت را فراهم می‌کند.

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند: **«روزه بگیرد تا سالم بماند.»**



گفت و گو کنیم:

- درباره‌ی آثار نماز و روزه بر روح و روان انسان با هم گفت و گو کنید.

- درباره‌ی این حدیث «نماز ستون دین است.» با دوستان خود گفت و

گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم:

اگر خاطره‌ای شنیدنی از اقامه‌ی نماز یا روزه گرفتن دارید، برای دوستان خود بیان کنید.

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

روزه تنها خودداری از خوردن و آشامیدن نیست؛ بلکه روزه‌دار باید همواره زبان خود را از دروغ و غیبت و تهمت و... باز دارد. چشم خود را از حرام بیوشاند. با دیگران دشمنی نکند.

هم فکری کنیم:

درباره‌ی فایده‌های روزه در خودسازی انسان با اعضای گروه خود هم فکری کنید و نتیجه‌ی آن را برای دوستان خود بگویید.
- پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» ماه رمضان را چگونه معرفی کردند؟ در چند سطر بنویسید:

- آداب نماز چه چیزهایی هستند؟ بنویسید:

خمس و زکات

روز عید غدیر بود. آن روز برای آقای رضایی روز مهمی بود. او عید غدیر را سال **خمس** خود انتخاب کرده و هر سال چنین روزی، خمس مالش را تحویل دفتر مرجع تقلید خود می داد. او با این کار، مالش را پاک می کرد و اعتقاد داشت، **دادن خمس**، مال را با برکت می کند و موجب رضایت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می شود.

آقای رضایی حساب و کتاب سالش را این گونه یادداشت کرد:

- ۱- یک میلیون تومان پول نقد دارم. خمس آن دویست هزار تومان می شود.
- ۲- خانه‌ای که در آن نشسته‌ام، خمس ندارد.
- ۳- یک قطعه زمین پنجاه متری دارم؛ سال گذشته مرجع تقلیدم اجازه داد که پس از فروش زمین، خمسش را پرداخت کنم.
- ۴- یک دستگاه یخچال برای جهیزیه‌ی دخترم خریده و کنار گذاشته‌ام. بنابه نظر مرجع تقلیدم، جهیزیه خمس ندارد.
- ۵- یک دستگاه ماشین وانت دارم که با آن کار می‌کنم. خمس ماشین را دو سال پیش پرداخت کرده‌ام.
- ۶- مقداری خوراکی مانند: برنج، روغن، چای، قند و ... موجود است که روی هم، ارزش آنها پنجاه هزار تومان می‌شود. خمس این خوراکی‌ها، ده هزار تومان است. به نظر شما، تا اینجا آقای رضایی چه مبلغی را باید به عنوان خمس پرداخت کند؟

۷- پانصد هزار تومان از همسایه طلب دارم که هر وقت گرفتم، باید خمسش را بپردازم؛ زیرا بیش از یک سال است که در دست اوست.

۸- دویست و پنجاه هزار تومان به برادرم بدهکارم که باید از سرمایه‌ام کم کنم و یک پنجم کل موجودی را به عنوان خمس بپردازم.

خمس یکی از فروع دین اسلام است. بر مسلمانان **واجب** است که به دستور خداوند متعال مقداری از اموالشان را به عنوان خمس پرداخت کنند. پرداخت خمس به اندازه‌ای مهم است که هر کسی خمس مالش را ندهد، نمی‌تواند آن مال را مصرف کند.

زکات

مثل هر روز دست از کار مزرعه کشیدم و با حضور در مسجد روستا در نماز جماعت ظهر و عصر شرکت کردم. وقتی نماز جماعت تمام شد، حاج آقا محمدی شروع به بیان احکام **زکات** کرد و گفت: «**زکات نه چیز باید پرداخت شود: گندم - جو - خرما - کشمش - طلا - نقره - شتر - گاو - گوسفند.**»



مشهدی حسن گله‌دار، از میان جمعیت با صدای بلند گفت: «حاج آقا چه زمانی، باید زکات مالمان را پرداخت کنیم؟»
حاج آقا گفت: «اگر انسان بالغی، دوازده ماه، مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره باشد، باید زکات آن را بدهد.»





زکات گندم و جو وقتی واجب می‌شود که به آنها گندم و جو بگویند؛ یعنی رسیده باشند. کشمش، وقتی که به اندازه غوره شده باشد و خرما وقتی که مقداری خشک شده باشد، موقع پرداخت زکاتشان است.»

این بار نوبت کربلایی محمد علی بود. او از انتهای مسجد گفت: «حاج آقا محمدی! در باره‌ی (حدّ نصاب) کمی صحبت کنید.» حاج آقا گفت: «آن نه چیزی که گفتیم، باید به مقدار معینی برسند تا شامل زکات شوند. به این مقدار معین، حدّ نصاب می‌گویند. مثلاً اگر کسی چهل رأس گوسفند داشته باشد، باید یک گوسفند زکات بدهد. اگر گندم یا جو به مقدار هشتصد و چهل و هفت کیلوگرم برسد، باید یک قسمت از بیست قسمت آن را زکات بدهد.»

البته اگر گندم و جو از کشت دیم برداشت شوند، زکات آن یک دهم است. در قرآن آمده است:

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ
وَكَانُوا الْعَابِدِينَ
(سوره‌ی انبیا آیه‌ی ۷۳)

«و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند و انجام دادن کارهای نیک و برپا داشتن نماز و ادای زکات را به آنان وحی کردیم و تنها ما را عبادت می‌کردند.»

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ
المُنْكَرِ وَللّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ
(سوره‌ی حج آیه‌ی ۴۱)

«کسانی را که هرگاه در زمین به آنان قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه‌ی کارها از آن خداست.»

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند:

لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابُّوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَقَرَأُوا الضَّيْفَ ...؛

امتم همواره در خیر و خوبی اند تا وقتی که یکدیگر را دوست بدارند، نماز را برپا دارند، زکات بدهند و میهمان را گرمی بدارند...

(امالی طوسی، ص ۶۴۷، ح ۱۳۴۰)

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

اثافی السلام ثلاثه: الصلوة و الزکوة و الولاية، لا تصح واحدة منهن الا بصاحبتيها؛

سنگ های زیربنای اسلام سه چیز است: نماز، زکات و ولایت که هیچ یک از آنها بدون دیگری درست نمی شود.

(کافی، جلد ۲، ص ۱۸)

گفت و گو کنیم:

- درباره ی اهمیّت پرداخت خمس و زکات با هم گفت و گو کنید.
- اگر آیه، حدیث یا سخنی از بزرگان درباره ی اهمیّت پرداخت خمس و زکات شنیده یا خوانده اید، بگویید.

از تجربه‌ها بگوییم:

درباره‌ی سال خمسی تجربه‌ای را بگویید و در چند سطر بنویسید:

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

مصرف خمس: قسمتی از خمس برای سادات فقیر و قسمت دیگر برای امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. مرجع تقلید، سهم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را باید صرف کارهایی کند که رضایت آن حضرت باشد. نمونه‌ای از این کارها عبارت است از: ساخت مدارس دینی و مساجد، تقویت حوزه‌های علمیه، تبلیغ دین



اسلام، دفاع از اسلام، اصلاح جامعه‌ی اسلامی و... باید توجه داشته باشیم که مصرف خمس، باید از سوی مرجع تقلید و با اجازه‌ی او باشد. - مصرف زکات برای همه‌ی

فقرای جامعه است و فایده‌های زیادی دارد از جمله: باعث پاکی دل و

برکت مال می شود. کفّاره‌ی گناهان و مانعی در برابر آتش دوزخ است.

- وسیله‌ی نزدیکی به خداوند است.

- ویرانی‌ها، آباد و بیماران نیازمند درمان می‌شوند.

- با پرداخت آن به یتیمان بی سرپرست رسیدگی می‌شود.

- پایه‌های حکومت دینی محکم می‌شود.

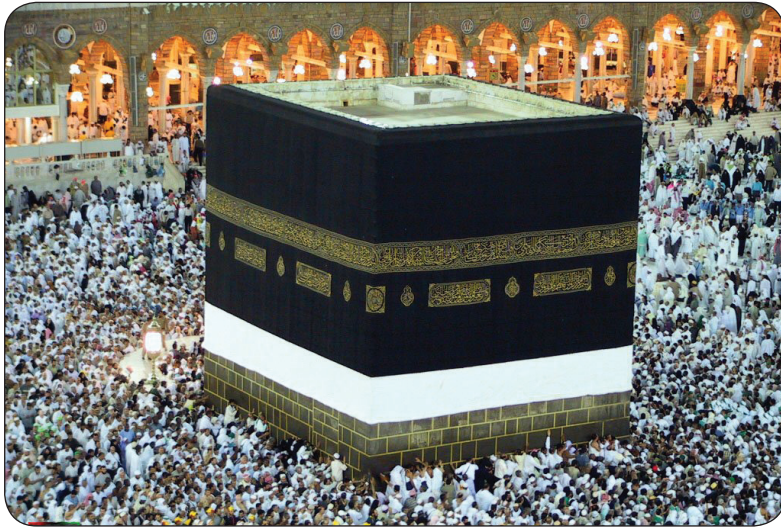
- پیام دین اسلام به مردم جهان رسانده می‌شود.

هم فکری کنیم:

- به چه چیزهایی خمس تعلق می‌گیرد، بنویسید:

- زکات بر چه چیزهایی تعلق می‌گیرد، درباره‌ی آنها چند سطر بنویسید:

حج، وحدت امت اسلامی



خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «... وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ...»

(سوره‌ی آل عمران آیه‌ی ۹۷)

« کسانی که توانایی رفتن به سوی خانه‌ی خدا را دارند، به آنجا بروند. »

پس از آنکه حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت اسماعیل علیه السلام خانه‌ی کعبه را بازسازی کردند، خداوند به آن دو فرمان داد که **اعمال حج** را به جای آورند. برای انجام دادن آن **اعمال**، **جبرئیل** از طرف خداوند بر آنان نازل شد و اعمال حج را به آن دو آموخت. آنان نیز به همان ترتیب اعمال حج را به جا آوردند. پس از آن، حضرت ابراهیم علیه السلام از مردم خواست به آنجا بیایند و اعمال حج را انجام دهند.

زیارت خانه‌ی خدا را حج و انجام دادن اعمال حج را **مناسک حج** می‌گویند. حج،

یکی از فروع دین است. یکی از بزرگ‌ترین اجتماع مذهبی مسلمانان در جهان و نشان دهنده‌ی وحدت امت اسلامی است. در این مراسم مسلمانان از هر نژاد و رنگ و زبانی شرکت دارند.

در حج هر مسلمانی همچون قطره‌ای است که به اقیانوس مسلمانان متصل می‌شود و احساس عزت و افتخار می‌کند. عمره، زیارت خانه‌ی خداست و بر دو گونه است: الف) عمره مفرده: این زیارت بدون حج تمتع انجام می‌شود و در طول سال به غیر از ماه ذیحجه انجام می‌گیرد.

ب) عمره تمتع که فقط در مراسم حج در ماه ذیحجه انجام گیرد. مراسم حج تمتع با عمره‌ی تمتع آغاز می‌شود. عمره‌ی تمتع، با **مُحَرَّم** شدن حاجیان در **میقات** شروع شده، سپس به خانه‌ی خدا می‌روند؛ کعبه را **طواف** می‌کنند، سپس دو رکعت **نماز طواف** به جا می‌آورند. پس از آن **هفت بار** بین **صفا** و **مروه سَعی** می‌کنند و با کوتاه کردن مقداری از مو یا ناخن از احرام بیرون می‌آیند. سپس به **طواف نِسَاء** و خواندن دو رکعت **نماز طواف نِسَاء** می‌پردازند. هر چه که از موقع احرام بر آنان حرام بود، حلال می‌شود. در این قسمت، عمره‌ی تمتع به پایان می‌رسد و برای حج تمتع از مکه مُحَرَّم می‌شوند و به صحرای **عَرَفَات** که نزدیک مکه است، می‌روند. پس از چند ساعت توقف، شبانه به طرف **مَشْعَر الحرام** کوچ می‌کنند تا ساعاتی از شب را در آنجا بمانند.

زائران با فرا رسیدن روز **عید قربان**، راهی **مِنا** می‌شوند. در **مِنا** یکی از نمادهای شیطان به نام **جَمَره‌ی عَقَبه** را با هفت سنگ می‌زنند. پس از این عمل، گوسفند یا شتر یا گاوی را **قربانی** می‌کنند و سر خود را **می‌تراشند**. البته زنان مقداری از موی سر خود را کوتاه می‌کنند. در **مِنا** دو یا سه شب می‌مانند و روزها به هر یک از سه نماد



شیطان، هفت سنگ می‌زنند. دوباره به مکه بر می‌گردند و طواف خانه‌ی خدا و دو رکعت نماز طواف را به جا آورده و سعی بین صفا و مروه را نیز انجام می‌دهند. سپس به طواف نساء و خواندن دو رکعت نماز طواف نساء می‌پردازند. با انجام دادن این اعمال، حج و عمره‌ی تمتع آنان به پایان می‌رسد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «حج و عمره، فقر را از بین می‌برد. گناهان را پاک و بهشت را واجب می‌کند.»

گفت و گو کنیم:

درباره‌ی اهمّیت و آثار ارزشمند حج با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم:

اگر تجربه یا خاطره‌ای از سفر معنوی حج دارید، برای دوستانتان بیان کنید.

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

فایده‌های حج

اگر مراسم حج درست انجام شود، فایده‌های فردی و اجتماعی فراوانی دارد. حج روح انسان را از زشتی‌ها، آلودگی‌ها و بد اخلاقی‌ها پاک می‌کند. انسان را به خدا نزدیک و از گناهان دور می‌سازد. حلاّیت طلبیدن هنگام رفتن، دید و بازدید، بدهکاری خود را پرداختن، پرداخت

خمس و زکات، آشنایی با اُمَّتها، قرار گرفتن در قدیمی ترین مرکز توحید، پا به جای پای انبیا قرار دادن، توبه کردن در صحرای عرفات و مشعر، به یاد قیامت افتادن، محکم شدن پیوند قلبی مسلمانان، آگاه شدن آنان از مشکلات یکدیگر و پیدا کردن راهی برای حل آنها و ظاهر شدن عظمت اسلام و مسلمین، از فایده‌های مهم حج هستند.

بدانیم و به کار ببندیم:

حج در همهی عمر یک بار بر کسی که شرایط آن را داشته باشد، واجب می‌شود.

این شرایط عبارت‌اند از:

۱- بالغ بودن ۲- عاقل بودن ۳- مستطیع بودن.

مستطیع به کسی می‌گویند که:

۱- خرج سفر حج را داشته باشد.

۲- از سلامت لازم برخوردار باشد.

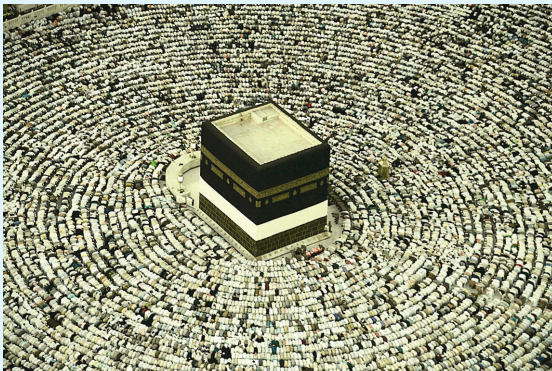
۳- مخارج زندگی‌اش را

داشته باشد.

۴- پس از بازگشت

از حج برای زندگی کردن

درآمد کافی داشته باشد.



- چهار عمل از مناسک حج تمتع را نام ببرید.

- چهار فایده‌ی حج را بنویسید:

- به چه کسی مستطیع می‌گویند؟ دو مورد را بنویسید:

امر به معروف و نهی از منکر



وقتی امام حسین علیه السلام قیام خود علیه یزید را آغاز کرد، به همراه خانواده و یارانش از مدینه راهی مکه شد. پیش از حرکت، نامه‌ای به برادرش، محمد حنفیه، نوشت و به او داد. حضرت در این نامه چنین نوشته بود: «من برای خودخواهی یا خوشگذرانی و یا ستمگری از مدینه خارج نشدم، بلکه برای امر به معروف و نهی از منکر قیام کرده‌ام. من می‌خواهم فساد امت را اصلاح کنم. قصد دارم، سنت جدم رسول خدا و راه و رسم پدرم علی علیه السلام را زنده کنم.»

امر به معروف و نهی از منکر یعنی چه؟

مَعْرُوف یعنی کارهای خوب و مورد پسند خداوند، **مُنْكَر** یعنی کارهای زشت و ناپسند که مورد رضایت خداوند نیست. همه‌ی کارهایی که خداوند بر ما **واجب** کرده است، معروف هستند. کارهایی که خداوند بر ما **حرام** کرده است، منکر است. امر به معروف، یعنی فرمان دادن و دعوت کردن به کارهای پسندیده و نهی از منکر، به معنی باز داشتن دیگران از کارهای زشت و نارواست.

اهمیت امر به معروف و نهی از منکر به قدری زیاد است که در قرآن می‌خوانیم

وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
(سوره‌ی آل عمران آیه ی ۱۰۴)

«باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان همان رستگارانند.»

امام علی علیه السلام فرمودند: «همه‌ی کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، مانند یک قطره در برابر دریای عمیق است.»
امام خمینی (رحمت الله علیه) امر به معروف و نهی از منکر را از **بالاترین واجبات** می‌داند.

خوب است کمی با خود فکر کنیم. اگر بعضی از مردم آزادانه دست به هر کار زشتی بزنند و دیگران کاری به او نداشته باشند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ جامعه به چه سمتی کشیده خواهد شد؟

معلوم است که سایر مردم هم کم کم به سوی چنین رفتارهای زشتی کشیده می‌شوند. زمان زیادی نخواهد گذشت که بسیاری از مردم به فساد کشیده خواهند شد. جامعه‌ای که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، ستمگران بر آن حکمفرما

می‌شوند. شهرها و راه‌ها امنیّت ندارند. اقتصاد جامعه و کسب و کار مردم به فساد کشیده می‌شوند. آبادانی شهرها و روستاها متوقف می‌شود و بلاهای آسمانی به آنان رو می‌کند.

امر به معروف نشانه‌ی علاقه به دین و مردم و علاقه به سلامت جامعه و غیرت دینی است. همچنین امر به معروف نشانه‌ی نظارت عمومی و حضور در صحنه است و موجب تشویق نیکوکاران، آگاه کردن افراد نادان، هشدار برای جلوگیری از کارهای خلاف و ایجاد نوعی **انضباط اجتماعی** است.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «باید امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه افراد بدکار بر شما تسلّط می‌یابند.» بنابراین انسان باید از انجام دادن گناه هم در دل ناراحت باشد و هم با زبان و با اعمال قدرت و قانون، مانع انجام آن شود.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «اگر عده‌ای مخفیانه به گناه پردازند، خداوند افراد دیگر را عذاب نمی‌کند. اما اگر گناه کاران خود را آشکارا انجام دهند و بیشتر مردم به آنان اعتراض نکنند، خداوند هم گناه کاران و هم سایر مردم را که ساکت بودند؛ عذاب می‌کند.

گفت و گو کنیم:

درباره‌ی آثار امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌ی اسلامی با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم:

- آیا تاکنون شما امر به معروف یا نهی از منکر انجام داده‌اید، خاطره‌ای را بیان کنید.

- پس از آنکه امر به معروف و یا نهی از منکر کردید، چه احساسی به شما دست داده است؟

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

اثر امر به معروف و نهی از منکر

آیت الله شاه آبادی یکی از علمای بزرگ تهران بود. نزدیک منزل ایشان دکتری زندگی می‌کرد. دکتر برای فرزندانش معلم موسیقی آورده بود و هر روز با ایجاد سر و صدا، برای همسایگانش مزاحمت ایجاد می‌کرد. آیت الله شاه آبادی برای دکتر پیام فرستاد و از او خواست، دست از این مزاحمت‌ها بردارد. دکتر که پشتوانه‌اش حکومت شاه بود، نپذیرفت. پس از آن آیت الله شاه آبادی از مردم خواست به طور مرتب به مطب دکتر بروند و با مهربانی از او بخواهند، دست از مزاحمت همسایگان بردارد. دکتر که با تذکرات پی در پی مردم روبه رو شده بود، سرانجام مجبور شد، دست از مزاحمت بردارد و جلسه‌ی موسیقی را تعطیل کند.

هم فکری کنیم:

- با هم فکری اعضای گروه هدف از قیام امام حسین (علیه السلام) را در چند سطر بنویسید:

.....

.....

.....

- اگر مردم امر به معروف و نهی از منکر انجام ندهند، چه اتّفاقی خواهد افتاد؟ در چند سطر بنویسید.

- چند مورد از فایده‌های امر به معروف و نهی از منکر را بنویسید:

شکرگزاری



شکر نعمت ، نعمت افزون کند کفر نعمت از کفت بیرون کند

زبان یکی از اعضای کوچک بدن است که در به سعادت رساندن انسان یا بدبختی او خیلی مؤثر است. ما در برابر زبان که نعمت بزرگ الهی است، وظیفه داریم، سخنانی بیان کنیم که در اسلام نسبت به آنها اهمّیت داده شده است. ذکر خدا و دعا کردن، قرآن خواندن، تشکر از خدا و دیگران، خیرخواهی برای مردم و آشتی دادن میان دو نفر از جمله کارهایی هستند که با زبان می‌توانیم انجام دهیم و به این وسیله راه رسیدن به سعادت را آسان تر کنیم.

خدا در قرآن به مؤمنان فرموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا * وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

(سوره‌ی احزاب آیه‌ی ۴۱ و ۴۲)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید و صبح و شام او را تسبیح گوید.»

همچنین به آنان هشدار داده است:

وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ

(سوره‌ی زخرف آیه‌ی ۳۶)

«هرکس از یاد خدا رویگردان شود شیطان را به سراغ او می فرستیم پس همیشه با اوست.»

آیا می دانید یکی از ذکرهای بزرگ، تسبیحات حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر کسی بعد از نماز واجب و قبل از آن که روی از قبله برگرداند، تسبیح حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را بگوید، خدای تبارک و تعالی از او هفتاد نوع بلا را دفع می کند که کمترین آن فقر است و ثواب هزار رکعت نماز را به او می دهد. یکی از ذکرهایی که در دین، ما را به آن تشویق نموده‌اند، تشکر از خداوند است که زینت بخش زبان ماست.

اهمیت شکرگزاری

شکر، یعنی شناخت نعمت‌های الهی و به کارگیری آنها در مسیر رضایت خداوند است. یکی از کارهای خوبی که ما می توانیم به وسیله‌ی زبان انجام دهیم، شکر است؛ زیرا وظیفه‌ی ما در مقابل پروردگار، شکرگزاری است.

شکر، بلاها و مشکلات را دور می کند. موجب زیاد شدن نعمت می شود. رضای خداوند را به همراه دارد. شکر از مغرور شدن به نعمت‌ها و فخر فروشی جلوگیری





می‌کند. خدا در قرآن فرمودند:

وَإِذِ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ

وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

(سوره‌ی ابراهیم آیه‌ی ۷)

«هنگامی که پروردگارتان اعلام داشت اگر شکر گزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، همانا مجازاتم شدید است.»

گفت و گو کنیم:

شکرگزاری، قدر شناسی انسان از خداست. در این باره با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم:

- تجربه‌ای شیرین از استفاده زبان، در شکرگزاری را بیان کنید.

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

شکر نعمت، مرحله‌ای دارد که عبارت اند از:
شکر قلبی - شکر عملی - شکر زبانی، شکر قلبی، یعنی بدانیم نعمت‌ها از آن خداست. در دلمان از نعمت‌های الهی شکر گزاری کنیم و به او محبت داشته باشیم.

شکر عملی، یعنی این که نعمت‌های خدا را در جایی به کار ببریم که مورد رضای او و خدمت به مردم باشد.

شکر زبانی، یعنی سپاس‌گزاری از خدا با ذکرهایی مانند الحمد لله رب العالمین و سبحان الله و



هم فکری کنیم:



- با هم فکری اعضای خانواده تسییحات حضرت فاطمه (سلام الله) را بگویید.

- با هم فکری اعضای گروه استفاده درست و نادرست از زبان را بیان کنید.

- جمله‌ای زیبا بنویسید و از نعمت‌هایی که خداوند به ما داده است، شکرگزاری کنید.

.....
.....
.....

- آیهی زیر را با اعضای گروه بخوانید و دربارهی معنی آن چند سطر بنویسید.

« فَادْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ »

پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم و شکر مرا گوئید و در برابر نعمت هایم کفران نکنید.

(سورهی بقره آیهی ۱۵۲)

.....
.....
.....
.....
.....

حقوق خانواده



پدر و مادر و فرزندان به عنوان اعضای خانواده نسبت به هم وظیفه‌ای دارند که باید آنها را بشناسند و به خوبی رعایت کنند. دین اسلام نسبت به خانواده و رعایت کردن اعضای خانواده به حقوق همدیگر توجه خاصی دارد. بخش زیادی از دستورات دینی مربوط به این موارد است.

مهم‌ترین حقوقی که اعضای خانواده نسبت به یکدیگر دارند، همکاری و همیاری است. برای داشتن خانواده‌ای موفق، همکاری و همیاری لازم است. یکی از وظایف مهم پدر، تلاش برای آسایش و کسب روزی حلال، زندگی بهتر برای اهل و عیال و خدمت به آنان است. مهم‌ترین وظیفه‌ی والدین نسبت به فرزندان این است که روش‌های تربیتی مناسب را بشناسند و آنان را از کودکی تا نوجوانی و جوانی به کار گیرند تا افرادی مفید برای خانواده و جامعه شوند.

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند: «حقّ فرزند بر پدرش این است که نام خوب بر او بگذارد، حرفه‌ی خوب به او بیاموزد و خوب تربیتش کند.» آن حضرت

می‌فرماید: «هیچ پدری ارثی بهتر از ادب برای فرزند خود به جای نگذارده است.»



پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم»
به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «ای علی!
کسی که در خانه بدون اینکه اهانت کند،
به خانواده‌ی خود کمک نماید، خداوند
اسم او را در کتاب شهدا می‌نویسد.» باز
فرمودند: «یا علی! لحظه‌ای در خدمت

خانواده بودن، بهتر از هزار سال عبادت است.» امام صادق علیه السلام، نیکی به خانواده را
موجب طول عمر می‌دانند.

فرزندان **امانت‌های الهی** هستند که کوتاهی در امر تربیت آنان، خیانت به امانت
خدا و ظلم به اجتماع است. لازم است والدین به چند نکته توجه کنند:

- بخشی از وقت خود را برای شنیدن سخنان فرزندانشان بگذارند.

- به زندگی خصوصی فرزندانشان احترام بگذارند و پیش از ورود به اتاقشان در

بزنند.

- به فرزندانشان ارزش پول و پس انداز را بیاموزند.

و اما حقوق والدین بر فرزندان این است که فرزندان با زبان نرم و آهسته و احترام
با پدر و مادر خود صحبت کنند. طوری رفتار نمایند که باعث ناراحتی والدین نشوند.
هرگز به آنان درستی و بی‌احترامی نکنند. در وقت نیاز به آنان کمک کنند. قدر
زحمات والدین را بدانند و همیشه از آنان تشکر کنند.

گفت و گو کنیم:

- درباره‌ی بهتر شدن روابط خانواده با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم:

تجربه‌ای از خانواده‌ای که روابط محبت آمیز با هم دارند؛ برای دوستان خود بازگو کنید.

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

یکی از وظایف والدین برای تربیت فرزندان ، نشست‌های خانواده برای حلّ مسایل و مشکلات و ایجاد مهر و محبت است. پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله وسلم» فرمودند: «نشستن مرد نزد اهل خانواده‌اش از اعتکاف در مسجد من، نزد خدا محبوب‌تر است.»
برای اینکه نشست خانوادگی مفید و مؤثر باشد، به چند اصل توجه کنید:

- قبل از به وجود آمدن اختلاف ، **گفت و گو** کنیم.:
- گفت و گوها زمان مشخص داشته باشد.
- گفت و گو با هدف **اصلاح و تربیت** باشد.
- گفت و گوها برای **حلّ مشکل** باشد، نه برای یافتن مجرم!
- ضمن گفت و گو، باید به **شخصیت افراد احترام** بگذاریم.
- اعضای خانواده به خوبی به سخنان هم گوش دهند.

هم فکری کنیم:

- با هم فکری اعضای گروه وظیفه‌ی خود را نسبت به پدر و مادر در چند سطر بنویسید:

.....

.....

.....

- کاربرد زیر را تکمیل کنید.

وظایف والدین نسبت به فرزندان	وظایف فرزندان نسبت به والدین
.....
.....
.....
.....

حقوق اجتماعی



حقوق همسایه

روزی یکی از اصحاب پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» نزد ایشان آمد و به آن حضرت گفت: زنی است که روزها، روزه و شبها را به عبادت می گذراند و صدقه می دهد؛ ولی با زبانش همسایه اش را می آزارد. رسول خدا

فرمود: «خیری در آن زن نیست. او اهل جهنم است!» گفتند زن دیگری است که فقط نماز واجب و روزهی رمضان را به جای می آورد و آزاری به همسایگان نمی رساند. رسول خدا فرمودند: «او اهل بهشت است!»

رعایت حقوق همسایگان یکی از وظیفه های اخلاقی مانسبت به دیگران و از حقوق اجتماعی است. شناخت حقوق همسایه و احسان و مهربانی با آنان جزو وظایف ماست. رعایت نکردن حقوق همسایگان و آزار و اذیت آنان، گناهی بزرگ است.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «کسی که همسایگان از آزار او در امان نباشند، از ما نیست.»

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند: «از رحمت خدا دور است، کسی که همسایه اش را آزار دهد.»

پس وظیفه ی ما در مقابل همسایگان این است که:

- آنان را آزار ندهیم. خیرخواه آنان باشیم. به آنان سلام کنیم.
- در شادی آنان شاد باشیم.
- در راهنمایی و ارشاد آنان کوتاهی نکنیم.
- چشم خود را از ناموس آنان پاک نگه داریم.
- در زندگی آنان کنجکاوی نکنیم.
- به عیادت آنان برویم.
- در تشییع جنازه‌ی او شرکت کنیم.

وفای به عهد

وفای به عهد هم از حقوق اجتماعی است که همه‌ی پیامبران و اولیای الهی به رعایت آن پایبند بودند. وفای به عهد آن قدر اهمّیت دارد که خداوند در قرآن می‌فرماید: «بدترین افراد کسانی هستند که وقتی عهد و پیمان می‌بندند، عهد خود رامی‌شکنند!»

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: «هرگاه به کودکان وعده‌ای دادید، به آن عمل کنید

باید بدانید کسانی که به وعده‌ی خود عمل نمی‌کنند، دارای کمبود شخصیت و ضعف ایمان هستند.»

گفت و گو کنیم:

- درباره‌ی راه‌های رعایت حقوق همسایگان با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم:

- تجربه یا خاطره‌ای از رفتار خوب همسایه را برای دوستان خود بگویید.

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) یک شب جمعه تا صبح فقط همسایه‌ها را دعا کردند. وقتی علت را از او پرسیدند، فرمود: «أَلْجَارُ ثَمَّ الدَّارِ» یعنی ابتدا باید همسایگان را دعا کرد، سپس دعا بر اهل خانه! رسول خدا فرمودند: «جبرئیل دائماً مرا سفارش به حق همسایگان می‌کرد، به شکلی که گمان کردم همسایه از همسایه ارث می‌برد.» یکی از مهم‌ترین فایده‌ی نیکی به همسایه افزایش رزق و روزی انسان است. حضرت علی علیه السلام همسایه آزاری را نشان پستی و بی‌شخصیتی می‌دانند.



- با هم فکری اعضای گروه آثار خوب عمل به وعده را در چند سطر بنویسید.

- خلاصه‌ی درس را در چند سطر بنویسید.

آداب و معاشرت اسلامی



وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

(سوره ی فرقان آیه ی ۶۳)

«و بندگان (خاص) خداوند رحمان کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند و هنگامی که جاهلان آنان را مخاطب سازند، (سخنان نا بخردانه گویند)، به آنان سلام می گویند (با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند).» یکی از آداب معاشرت، **مدارا** کردن با مردم است، یعنی نسبت به آنان **نرم** باشیم و سخت گیری نکنیم. آسان ترین روش را در برخورد با مردم داشته باشیم. در گفتار با آنان، ادب را رعایت کنیم.

داشتن اخلاق و برخورد خوب با دیگران، یکی از زیباترین **رفتارهای پسندیده** است.

ما وظیفه داریم، آداب و رفتار خوب و مناسب با دیگران را بیاموزیم تا بتوانیم حقوق دیگران را رعایت کنیم.

آشکار نکردن گناه در جامعه، امر به معروف ونهی از منکر، حضور در مساجد و اجتماع مسلمین، شرکت در تشیع جنازه آموات، حفظ وحدت و دوری از اختلافات، برخی دیگر از آداب معاشرت است.

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» نمونه‌ای کامل از اخلاق را دارا بود. همیشه **تبسمی** بر لب داشت؛ آداب سخن گفتن را رعایت می‌کرد، هرگز بی جهت سخن نمی‌گفت. اگر سخن می‌گفت، آن سخن پندآموز بود یا به کار خیری دستور می‌داد و یا از کار زشتی مردم را نهی می‌کرد.

یکی از رمزهای موفقیت پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» در رساندن پیام خداوند به مردم، رفتار و **برخورد خوب** و **مؤدب** با مردم بود. خدا در قرآن می‌فرماید:

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...

(سوره‌ی آل عمران آیه‌ی ۱۵۹)

«ای پیامبر! به سبب رحمت خداست که تو با آنان این چنین خوش خوی و مهربان هستی و اگر رفتار تندی داشتی، مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند...»

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» با فقرا می‌نشستند و با آنان غذا می‌خوردند. به همه به خصوص کسانی که در پی کسب علم و دانش بودند، **احترام** می‌گذاشتند. با خویشاوندان خود **صله‌ی رحم** می‌کردند. به هیچ‌کسی ستم نمی‌کردند. پوزش عذر خواهان را می‌پذیرفتند. مسکین را به خاطر فقرش تحقیر نمی‌کردند و از هیچ سلطانی به خاطر قدرت و حکومتش نمی‌ترسیدند. فقیر و سلطان را با یک روش به توحید دعوت می‌کردند و همه در نظرشان **یکسان** بودند.

گفت و گو کنیم:

- درباره‌ی آثار خوش رفتاری با مردم با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم:

- یک مورد از رفتار خود را درباره‌ی رعایت آداب معاشرت بیان کنید.

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: متانت در گفتار و رفتار، نیمی از زندگی و راحتی آن است. انسان‌هایی که با دوستی و محبت با مردم برخورد می‌کنند، دارای شخصیت بالا و دوست داشتنی هستند. رعایت احترام و مدارا با مردم، موجب برکت در زندگی می‌شود.

هم فکری کنیم:

- با هم فکری اعضای گروه درباره‌ی رعایت آداب معاشرت با دیگران مواردی را بیان کنید.

- در چند سطر به طور خلاصه رفتار پیامبر «صلی الله علیه وآله وسلم» را با دیگران بنویسید.

فرنگ جهاد و شهادت



در وصیت‌نامه‌ی یکی از **شهدای دفاع مقدّس** آمده است: ای مادر عزیز که مرا در دامان خود پرورش دادی و شب و روز برایم زحمت کشیدی! سعی کن همچون حضرت زینب (سلام الله علیها) در مرگ فرزندت **صبور** باشی و این را بدان که آخرین راه، مُردن است! چه بهتر که در **راه اسلام** شهید شوم! من در رختخواب مُردن را ننگ می‌دانم!

یکی از واجبات دین اسلام، جهاد است. خدا در قرآن کریم می‌فرماید:

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (سوره‌ی بقره آیه‌ی ۲۱۶)

«جهاد در راه خدا بر شما مقرر شد در حالی که برای شما ناخوشایند است. چه

بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شرّ شما در آن است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.»

جهاد در اسلام به معنی کشورگشایی، تجاوز، قدرت‌نمایی و گرفتن سرمایه‌ی دیگران نیست؛ بلکه جهاد در اسلام به معنای **حفظ جان و مال و آبروی مسلمانان** در برابر تجاوز بیگانگان است که نام دیگر آن **دفاع از کشور اسلامی** است.

شهید کسی است که در راه خدا به جهاد برخاسته و در این راه کشته شود و جایگاهی بالا نزد خداوند دارد. خدا در قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

(سوره‌ی آل‌عمران آیه‌ی ۱۶۹)

«ای پیامبر! هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مردگانند؛

بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگار شان روزی داده می‌شوند.»

امام خمینی (رحمت الله علیه) در قسمتی از وصیت‌نامه‌ی الهی، سیاسی خود می‌فرماید: «به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم، نعمتی که با جهاد خود و خون جوانان برومندان به دست آورده‌اید، همچون عزیزترین چیزها، قدرش را بدانید. «**شهادت چنان با عظمت است که دشمنان اسلام در طول تاریخ در برابر شهادت طلبی مسلمانان احساس ناتوانی کرده‌اند. انقلاب اسلامی ایران با تکیه به همین فرهنگ شهادت طلبی به پیروزی رسید، امروزه مسلمانان فلسطین و حزب الله لبنان با سلاح شهادت، صهیونیست‌ها را به زانو در آورده‌اند.**

وقتی یزید به خلافت رسید، از امام حسین علیه السلام که در مدینه زندگی می‌کرد، خواست که حکومت او را بپذیرد و با او بیعت کند. امام علیه السلام از بیعت با او خودداری کرد، زیرا می‌دانست یزید فردی ستمگر است و شایستگی رهبری مسلمانان را ندارد.

آن حضرت برای نجات دین اسلام از چنگال بدکاران **قیام** کرد و به جهاد برخاست. امام در این جهاد، جان خود و نزدیکان و بهترین یارانش را فدای اسلام کرد. راستی وظیفه‌ی ما در برابر جهاد و شهادت بزرگ تاریخ چیست؟ از کارهایی که ما در برابر تلاش‌های آنان می‌توانیم انجام دهیم، به پاداشتن **عزاداری** است. این گونه مراسم‌ها یاد و خاطره‌ی آن مجاهدان بزرگ را برای ما زنده می‌کند. یکی دیگر از وظایف ما پیروی از راه آنان است. رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدّس به پیروی از امام حسین علیه السلام و یارانش به استقبال جهاد و شهادت رفتند و سعادت همیشگی را کسب کردند.

در برگزاری مراسم‌ها و عزاداری‌ها باید راه صحیح را انتخاب کرد. بعضی از کارها در شأن **عزاداری حسینی** نیست. در عزاداری‌ها باید از دست زدن به کارهایی که باعث ضعیف کردن فرهنگ اسلام می‌شود، پرهیز کرد. قمه زدن یکی از این نمونه‌هاست.



گفت و گو کنیم:

درباره‌ی این عبارت با هم گفت و گو کنید. «شهید سعید است، شهادت سعادت.»

امام خمینی (رحمت الله علیه)

از تجربه‌ها بگوییم:

خاطره‌ای از فداکاری رزمندگان اسلام را در دفاع مقدس بیان کنید.

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

جهاد در راه خدا اقسامی دارد که یکی از آنها جهاد دفاعی است. این جهاد به منظور دفاع از اسلام و کشورهای اسلامی انجام می‌گیرد. هرگاه بیگانگان به یک کشور اسلامی تجاوز کنند، برهمه‌ی مسلمانان، زن و مرد، پیر و جوان، روستایی و شهری واجب است، به مقاومت برخاسته و از کشور اسلامی خود دفاع کنند. مسلمانان در این راه از دادن مال و جان کوتاهی نمی‌کنند. دفاع هشت ساله‌ی مردم مسلمان و غیور ایران در برابر متجاوزان بعثی نمونه‌ای از این جهاد است.

چرا دشمنان اسلام از شهادت طلبی مسلمانان ترس دارند؟ با هم فکری
اعضای گروه در چند سطر بنویسید:

- وظیفه‌ی ما در برابر جهاد و شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش چیست؟
در چند سطر بنویسید:

تعقل، تفکر و مشورت



عقل نعمت بزرگی است که خداوند فقط به انسان بخشیده است. عقل موجب **برتری انسان** بر سایر موجودات می‌شود. انسان به وسیله‌ی عقل می‌تواند **خیر** را از شر و **حق** را از باطل تشخیص دهد. یکی از وظیفه‌های مهم انسان به کارگیری این سرمایه‌ی بزرگ الهی است. انسان باید با سعی و تلاش به فراگیری علم بپردازد تا عقل خود را رشد دهد. خدا در قرآن می‌فرماید: «بدترین افراد در نزد من کسانی هستند که اهل عقل و اندیشه نیستند.»

بنابراین فرد عاقل کسی است که پروردگارش را می‌شناسد و فرمانش را اطاعت می‌کند. دشمنش را می‌شناسد با حیاترین و مداراترین فرد، با مردم است. عاقبت‌اندیش‌ترین مردم و پرهیزکارترین آنان از هر گونه آلودگی و پستی است.

هم نشینی با علما، کسب دانش و تجربه، آموزش به دیگران و اندیشیدن موجب **تقویت عقل** می‌شود. پیروی از هوای نفس، خودپسندی، هم نشینی با نادان، شوخی بیجا کردن، گوش نکردن به سخنان خردمندان موجب **ضعف عقل** می‌شود.

اندیشیدن و فکر کردن یکی از بهترین عبادت‌هاست. تفکر از نظر دین اسلام آن قدر اهمیت دارد که رسول خدا «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند: «لحظه‌ای اندیشیدن بهتر از یک سال عبادت است.»

تفکر وسیله‌ای برای حفاظت ما از لغزش‌هاست. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند، «ریشه و اساس حفاظت از لغزش‌ها، تفکر پیش از عمل است.»
با تفکر در مورد مسائل مختلف می‌توانیم راه رشد و پیشرفت را به روی خود و دیگران باز کنیم.

یکی از راه‌های استفاده از عقل و تفکر و تجربه‌های دیگران، مشورت است. مشورت کردن با دیگران باعث می‌شود از تجربه‌های دیگران استفاده کنیم و به تجربه‌های خود اضافه کنیم. یکی از عواملی که در تصمیم‌گیری صحیح به ماکمک می‌کند، مشورت است. خدا در قرآن پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» را سفارش به مشورت می‌کند و می‌فرماید:

وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

(سوره‌ی آل عمران آیه‌ی ۱۵۹)

«در کارها با آنان مشورت کن، اما هنگامی که تصمیم گرفتی (قاطع باش) و بر خدا توکل کن، زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.»

امام علی علیه السلام نیز فرمودند: «هیچ پشتیبانی چون مشاوره نیست و پیش از آن که تصمیم بگیری، مشورت کن و پیش از آن که اقدام کنی، فکر کن!»



گفت و گو کنیم:

درباره‌ی فایده‌های مشورت کردن با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم:

آیا تا به حال برای شما در زندگی مشکلی پیش آمده که توانسته باشید با مشورت آن را حل کنید؟ آن را بیان کنید.

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

آیا می‌دانید گاهی خداوند خیر انسان را به زبان مشاور (مشورت دهنده) جاری می‌کند و مشورت کلید حل مشکلات زندگی و عاملی برای پیشرفت و موفقیت است. آیا تا به حال فکر کرده‌اید با چه کسانی مشورت کنید؟ آیا با هر فردی می‌توان مشورت کرد؟ به نظر شما مشاورین ما باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟ با افرادی می‌توان مشورت کرد که عاقل، خداترس، با تجربه، دوراندیش، دلسوز و راز نگه‌دار باشند.

اما با افراد ترسو، بخیل، حریص، احمق، دروغ‌گو و انسانی که اهل اندیشه و فکر نباشد، نباید مشورت کرد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

« هیچ انسانی از مشورت کردن نابود نمی‌شود. »

یادمان باشد، قبل از مشورت با دیگران، باید با خدا مشورت کرد و از او طلب خیر کنیم. سپس با مردم مشورت کرد؛ زیرا با این کار، خداوند خیر و صلاح را به زبان هر کسی که دوست داشته باشد،

جاری می کند.

هم فکری کنیم:

با هم فکری دوستان خود به پرسش‌های زیر پاسخ دهید:
- با چه کسانی می توان مشورت کرد؟

- با چه کسانی مشورت نکنیم؟

- ارزش فکر کردن از نظر پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» را در چند سطر بنویسید:

- خلاصه‌ی درس را در چند سطر بنویسید:

معاذ



بازگشت آدمی به آن حتمی است
تا دهد از بهر کارهایش جواب
یا که دارد ذره ای شراً ییره
خالق یکتا که در قرآن نوشت
تا جهنم می برد ، انسان را
می شوی تو در قیامت دلشاد
می رسد هر کار خوب ، در آن به داد
شافعت باشد نبی و هم علی

دانی از بهر معاد معنا چیست؟
باز می گردد آدمی روز حساب
آنکه دارد ذره ای خیراً ییره
کارهای نیک پاداشش بهشت
هر کسی فرمان برد شیطان را
آخرت را گر بسازی آباد
از اصول دین ما باشد ، معاد
گر که باشی با پیمبر هم ولی

زهره شهید (شاعر)

چگونه خدا مردگان را بعد از مرگ زنده می‌کند؟!

عزیر یکی از پیامبران خداست. روزی از کنار شهری که خراب شده و مردمش مُرده بودند، عبور می‌کرد. او با خود گفت، چگونه خدا اینها را بعد از مرگ زنده می‌کند؟ همان لحظه عزیر به امر خدا از دنیا رفت. بعد از صد سال خدا او را زنده کرد و از او پرسید: چه قدر در اینجا بودی؟ گفت: شاید یک روز یا نصف روز! خدای متعال فرمود: « صد سال است که در اینجا هستی! پس نگاه کن به آب و غذایت هیچ گونه تغییری نکرده است! نگاه کن به الاغ خود که گوشت و پوست او پوسیده و خاک شده، فقط استخوان‌های آن روی زمین باقی مانده است! نگاه کن که ما چگونه آنها را از روی زمین بلند می‌کنیم و به صورت اولیه بر می‌گردانیم. » وقتی آن حادثه را دید، گفت: « من دانستم که خدا بر هر کاری تواناست. »

معاد یا جهان آخرت، یکی از **اصول اعتقادی** ما مسلمانان است. معاد، زنده شدن پس از مرگ و تولد دوباره‌ی انسان است. در جهان آخرت، به **اعمال** انسان‌ها رسیدگی می‌شود. خداوند حکیم و عادل است و جهان را بی‌هدف نیافریده است. باید به همه‌ی کارهای انسان پس از مرگ در جهانی دیگر به نام **قیامت** یا **جهان آخرت** رسیدگی شود تا در این دنیا هیچ کسی به دیگری ظلم نکند و هر کسی مواظب اعمال و رفتار خود باشد.

پس باید قیامتی باشد تا **نیکوکاران** پاداش نیکوکاری خود را بگیرند و **گناه کاران** به سزای اعمال بدشان برسند. قیامت آغاز زندگی دوباره‌ی انسان‌هاست. ما نمونه‌ی کوچک آن را هر سال در روی زمین می‌بینیم. زمین و گیاهان در فصل پاییز و زمستان می‌میرند، سپس در بهار زنده می‌شوند. همه‌ی انسان‌ها، پس از مرگ، دوباره زنده می‌شوند و به اعمالشان رسیدگی خواهد شد.

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند: « هر وقت بهار را دیدید، بسیار از

قیامت یاد کنید.»

گفت و گو کنیم:

درباره‌ی تأثیر ایمان به معاد با هم گفت و گو کنید.

از تجربه‌ها بگوییم:

یک داستان از قیامت که تاکنون خوانده یا شنیده‌اید، بیان کنید.

بخوانیم و بیشتر بدانیم:

امام علی علیه السلام در نامه‌ای به فرزندش امام حسن علیه السلام نوشتند: «پسر، بدان تو برای آخرت آفریده شدی نه دنیا، برای رفتن از دنیا، نه پایدار ماندن در آن، برای مرگ، نه برای زندگی جاودانه در دنیا، هر لحظه ممکن است از دنیا کوچ کنی و به آخرت در آیی!»

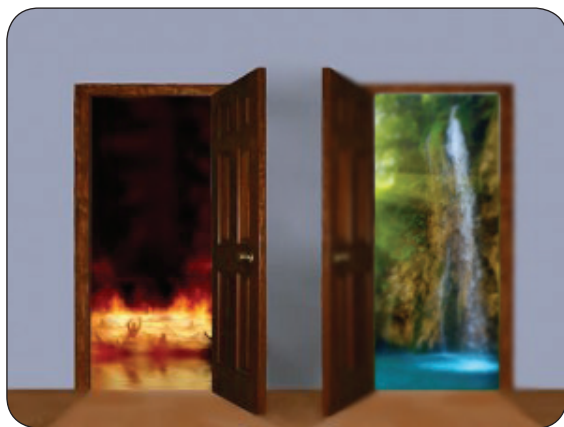
امام حسین علیه السلام درباره‌ی زندگی پس از مرگ فرمودند: «ای بزرگواران! صبر پیشه کنید، زیرا مرگ جز پلی نیست که شما را از سختی‌ها و دشواری‌ها به بهشت پهناور و نعمت‌های دائمی عبور می‌دهد. پس کدام یک از شما، اکراه دارد که از زندان به قصر منتقل شود؟ خداوند می‌فرماید: «ما آسمان‌ها و زمین و آنچه در میان این دو است را بیهوده نیافریدیم.»

با هم فکری اعضای گروه درباره‌ی پرسش‌های زیر چند سطر بنویسید:
- معاد یعنی چه؟

- اگر معاد وجود نداشت، چه اتفاقی می افتاد؟

- چرا در جهان آخرت، به اعمال انسان‌ها رسیدگی می‌شود؟

بهشتیان و دوزخیان در قرآن کریم



انسان نتیجه‌ی اعمالی را که در این دنیا انجام می‌دهد، در جهان آخرت خواهد دید.

سعادت‌مند کسی است که به خدا و پیامبران و امامان معصوم ایمان و اعتقاد داشته باشد، دارای **اخلاق پسندیده** باشد. کارهای **صالح** و **خالصانه** انجام دهد. **بدبخت** کسی است که **ایمان** ندارد. اخلاقش **ناپسند** است. گناهانی چون دروغ، سخن چینی، تهمت، خیانت، دزدی، رباخواری، غیبت و... انجام می‌دهد. در عبادت سستی کرده و ظلم و ستم می‌کند. پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند: «دنیا مزرعه‌ی آخرت است.» پس باید در نظر داشته باشیم که زندگی این جهان کاملاً با زندگی آن جهان در ارتباط است.

هر چه کنی کشت، همان بدروی کار بد و نیک چو کوه و صداست

انسان پس از مرگ به جهانی دیگر به نام **برزخ** وارد می‌شود. عالم بین مرگ و قیامت را **برزخ** می‌گویند. در برزخ افراد نیکوکار از این که در دنیا کارهای خوب و شایسته انجام داده‌اند، احساس لذت می‌کنند، خوشحال هستند و نتیجه‌ی پاداش کارهای نیک خود را می‌بینند؛ ولی افراد بدکار، احساس رنج و عذاب می‌کنند؛ زیرا در دنیا کارهای بد و ناشایست انجام داده‌اند و نتیجه‌ی آن را می‌بینند.

در عالم برزخ بعضی از انسان‌ها پشیمان هستند و از خداوند می‌خواهند به دنیا برگردند، ولی پاسخ آنان منفی است. خداوند در آیه‌ی ۹۹ و ۱۰۰ می‌فرماید:

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمُ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (سوره‌ی مومنون آیه‌ی ۹۹ و ۱۰۰)

«تا زمانی که مرگ یکی از آنان فرارسد، می‌گوید: پروردگار من! مرا باز گردانید.» شاید در آنچه ترک کردم عمل صالحی انجام دهم. (ولی به او می‌گویند:) چنین نیست! این سخنی است که به زبان می‌گوید (و اگر باز گردد، همچون گذشته است)؛ و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند.

در عالم برزخ فقط مسائلی که انسان باید به آنها اعتقاد و ایمان داشته باشد، مورد پرسش و رسیدگی قرار می‌گیرد. رسیدگی به دیگر امور در قیامت است.

روز قیامت روز رسیدگی به اعمال انسان‌هاست. هر عملی که انسان در این دنیا انجام می‌دهد، در نامه‌ی اعمالش ثبت و نگهداری می‌شود تا در روز قیامت آنها را ببیند

خدا در قرآن می‌فرماید: «اعمال مردم به آنها نشان داده می‌شود. پس هر کسی به اندازه‌ی ذره‌ای کار خیر انجام داده باشد، پاداش آن را می‌بیند و هر کسی به اندازه‌ی ذره‌ای کار بد کرده باشد، نتیجه‌ی آن را خواهد دید. گناه کاران به عذاب الهی دچار

می شوند، مگر آنکه مستحق **شفاعت** شوند.

شفاعت یعنی واسطه قراردادن مقربان خدا برای بخشیده شدن گناهان و آزادی از **جهنم** است. شفاعت در روز قیامت مخصوص **خداست**، اما به **اذن او** شفاعت کنندگان دیگری در روز قیامت هستند که به آنان اجازه شفاعت داده می شود. آنان عبارت اند از: قرآن، فرشتگان، پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم»، امامان معصوم، انبیای الهی، علما، شهدا، مؤمنین، اعمال صالح و...

گفت و گو کنیم:

پیامبر اکرم «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند: «دنيا مزرعهی آخرت است.» در این باره با هم گفت و گو کنید.

از تجربه ها بگوییم:

ویژگی و خصوصیات فرد مؤمنی را که می شناسید ، بیان کنید.

هم فکری کنیم:

با هم فکری اعضای گروه جواب پرسش های زیر را بنویسید:
– شفاعت چیست؟

.....

.....

.....

– شفاعت کنندگان روز قیامت چه کسانی هستند؟

.....

.....

.....

– عالم بین مرگ و قیامت را چه می گویند؟

.....

.....

.....

– در جهان آخرت افراد سعادت مند و بدبخت چه کسانی هستند؟

.....

.....

.....

کار برگ زیر را تکمیل کنید:

ویژگی های دوزخیان	ویژگی های بهشتیان
غافلند	صبورند
مغرورند	امانت دارند
.....
.....
.....
.....

– راه های خداشناسی را بر شمارید و چند مورد را بنویسید:

– هدف از رسالت پیامبران بزرگ الهی چیست؟

– چند مورد از اخلاق و رفتار پسندیده پیامبر گرامی را برشمارید:

– سرنوشت انسان هایی که در دنیا کارهای خوب و شایسته انجام می دهند
را بیان کنید:
